

تحلیل روایی نقش عزت در فرهنگ حسینی

عباس خان فاضل اف*

علی آقا صفری**

چکیده

ظلم‌ستیزی و آزادی‌خواهی دغدغه جدی بشر امروزی است. فلسفه و چیستی و چرایی نهضت امام حسین (ع) قیام بر علیه حکومت مستبد و خودکامه بوده است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از روایات مأثور، نقش اربعین حسینی در مقابله با ظلم‌ستیزی و آزادی‌خواهی و تحقق آن در جامعه بشری را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. ره‌آوردها نشان می‌دهد که آگاهی جامعه بشری از قیام حیات‌بخش امام حسین (ع) بر علیه ظلم و استبداد و آزادی‌خواهی و تشخیص حق از باطل و ظلمت از نور و راهی رهایی از تاریکی جهل و حیرت، درگرو تفقه در چرایی وقوع حادثه کربلا و برگزاری محرم و اربعین و حسینی تعظیم شعائر است. بدیهی است که اربعین حسینی نمایشی بی‌همتا از شور و شعور اسلامی و مؤثرترین عامل معرفی اسلام ناب محمدی و نمادی از وحدت و عظمت امت اسلامی و گره‌گشای مشکلات جهان اسلام و تجدید عهد با امام حسین (ع) و جلوگیری از تحریف و ترویج معنویت و مبارزه با ظلم و جور و غصب و تصویری از آزادی و آزادگی و زنده نگهداشتن فرهنگ ایثار و شهادت و شهامت و زندگی عزتمندانه و... می‌باشد.

واژگان کلیدی: تحلیل روایی، نقش اربعین حسینی، ظلم‌ستیزی، آزادی‌خواهی.

* دانش آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)، abbasi.hisari@gmail.com

** استادیار جامعه المصطفی العالمیه، a.a.safari۱۳۶۴@gmail.com



۱. مقدمه

تاریخ بشر سرشار از حماسه‌های خونین و شکوهمند انسانی است. انسان‌های زیادی در راه به دست آوری عزت، جان‌های خود را فدا نموده‌اند و چه مصیبت‌ها و دردهای غیرقابل توصیف را به جان دل خریده‌اند تا به سربلندی و عزت انسانی برسند، بعضی از این حادثه‌ها جهان را متحول و دگرگون نموده و دانشمندان و محققان و... را مجذوب خود ساخته است؛ اما در میان این همه حوادث و حماسه‌های جهانی یکی که از همه بیشتر توانسته در اعماق جان‌های افراد بیدار دل و حق جو، جا باز کند و نور افشانی نماید و معنی زندگی و حیات واقعی را به جهانیان بفهماند، قیام حسین بن علی (ع) بود که در یک طرف آن جبهه باطل و ظالم و در آن سوی دیگر نوه رسول الله که جز احیاء سیره جدش چیزی دیگری نمی‌خواست، قرار گرفته بود و این حق خواهی و آزادی طلبی و عزت خواهی آن اسوه حسنه بود که قیامش را جاویدان گردانید و هرروز که می‌گذرد ابعاد تازه‌ای از قیام آن امام آزاده گشوده می‌شود و حقایق نهفته آن برای عدالت خواهان آشکار و هویدا می‌شود. تحقیق حاضر به دنبال این است که ضمن بیان مختصر زندگی نامه امام حسین (ع)، واقعه کربلا و عزت در کردار و گفتار امام حسین (ع)، نقش اربعین حسینی را در ظلم‌ستیزی و آزادی خواهی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد؛ تا از این رهگذر ره‌آورد‌های نهضت قیام فرزند پیامبر اکرم (ص) برای جامعه بشریت روشن و آشکار گردد. لازم به ذکر است حسب مطالعات انجام شده درباره ظلم‌ستیزی و آزادی خواهی در لابلای کتاب‌ها مربوط به بیان نهضت امام حسین (ع) و سایر معصومین (علیهم‌السلام) مطالبی کم و بیش ذکر شده است ولی در خصوص نقش اربعین حسینی در ظلم‌ستیزی و آزادی خواهی به نظر این اثر نخستین گام است که برداشته و امید که بتواند بسترساز خوب برای پژوهش‌های عمیق‌تر و علمی‌تر باشد.

۲. زندگی امام حسین (ع)

۱-۲. ولادت

حسین بن علی در مدینه به دنیا آمد و بنا بر قول مشهور، تولد او در سال چهارم قمری بوده است (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، بیروت، ج ۲، ص ۲۴۶؛ دولابی، الذریة الطاهرة، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۰۲، ۱۲۱؛ طبری، تاریخ طبری، ۱۹۶۲، ج ۲، ص ۵۵۵؛ شیخ مفید، الارشاد، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۲۷)، با این حال برخی تولد او را در سال سوم قمری دانسته‌اند (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱،

ص ۴۶۳؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۱ ق، ج ۶، ص ۴۱؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۳۹۲)، ولادت حسین بن علی، بنابر قول مشهور در سوم شعبان بوده است، ولی شیخ مفید در کتاب ارشاد، تولد امام سوم شیعیان را پنجم شعبان دانسته است. در گزارش‌های تاریخی شیعه و اهل سنت آمده است که پیامبر هنگام تولد او گریست و از شهادتش خبر داد. (شیخ مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۱۲۹؛ مقریزی، امتاع الأسماع، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۲، ص ۲۳۷؛ ابن کثیر، البداية و النهایة، دار الفکر، ج ۶، ص ۲۳۰).

۲-۲. محبت پیامبر (ع) نسبت به حسین

در منابع آمده است که رسول خدا (ص) در میان اهل بیت خود، حسن و حسین (ع) را بیش از بقیه دوست داشت (ترمذی، سنن ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۳۲۳) و این علاقه چنان بود که گاه با ورود آن دو به مسجد، خطبه‌اش را ناتمام می‌گذاشت، از منبر پایین می‌آمد و آنان را در آغوش می‌کشید (احمد بن حنبل، المسند، بیروت، ج ۵، ص ۳۵۴؛ ترمذی، سنن ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۳۲۲؛ ابن حبان، صحیح، ۱۹۹۳ م، ج ۱۳، ص ۴۰۲؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۲۸۷) از پیامبر نقل شده است که محبت به این دو مرا از محبت به هر کس دیگری بازداشته است (ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ۱۳۵۶ ق، ص ۵۰)، حسین (ع) در کنار دیگر اصحاب کساء در ماجرای مباحله حضور داشت (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۹۶۸، ج ۶، ص ۴۰۶-۴۰۷؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۸۵؛ شیخ مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۶۸) و در هنگام رحلت پیامبر (ص) هفت ساله بود؛ از این رو او را در زمره واپسین طبقه صحابه برشمرده‌اند. (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۴۱۸، ج ۱۰، ص ۳۶۹)

۲-۳. شهادت امام

پس از روی کار آمدن یزید، امام که او را نالایق می‌دانست تن به ذلت بیعت و سازش با او را نداد و برای افشای او به فرمان خدا از مدینه به مکه و سپس به طرف کوفه و کربلا حرکت کردند و همراه با یاران خود با لب تشنه توسط دشمنان اسلام به نام‌های صالح بن وهب مزنی، سنان بن انس و شمر بن ذی الجوشن (لعنت الله علیهم اجمعین) در سال ۶۱ هجری در سرزمین سوزان کربلا مظلومانه شهید شدند و سرهای بریده آنان بر نیزه‌ها همراه با خانواده‌هایشان در شهرها به نام خوارج و شورشیان چرخانده شد و این مصیب آنچنان وحشتناک و غیر انسانی بود که در اعتراض



شجاعانه و عزتمندانه عقیده بنی هاشم پیام رسان واقعه کربلا در مجلس یزد (علیه لعنه) به رخ آن کشیده شد. در این بیان غیورانه حضرت زینب (سلام الله علیها) با بیان رسا و پدرانانه خویش خطاب به یزید فرمود: «أَمِنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الطَّلَقَاءِ تَخْدِيرُكَ حَرَائِرِكَ وَإِمَاءَكَ وَ سَوْفُكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَبَايَا قَدْ هَتَكَتَ. سَتُورَهُنَّ وَ أَبْدَانَهُنَّ تَحْدُو بِهِنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۵۸/۴۵)؛ آیا این از عدل است ای فرزند آزادشده‌ها که زنان و کنیزان تو در پس پرده باشند و دختران رسول الله اسیر؟! پرده‌های حُرمتشان را دریدی و چهره‌هایشان را آشکار کردی، آنان را چونان دشمنان از شهری به شهری کوچانیده اید. عزت و کرامت و حریت و آزادی و مبارزه باظلم و ستم در این بیان گره گشا و حیات بخش موج می زند.

۳. فضائل امام حسین (ع)

۳-۱. امام حسین (ع) وارث انبیاء الهی

امام حسین (ع) وارث انبیا عظام الهی و مجمع فضائل بی‌شمار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) می‌باشد، او وارث همه ویژگی‌ها و اوصاف متعالی جدش رسول خدا (ص) و پدرش امام علی بن ابی طالب (ع) و مادر مکرمه‌اش فاطمه الزهرا (س) است. او طبق فرموده پیامبر گرامی (ص) پاره تن ایشان و چراغ هدایت و کشتی نجات و سرور جوانان اهل بهشت و محبوب زمین و آسمان است. درباره فضیلت امام حسین (ع) روایات فراوانی از پیامبر (ص) در منابع شیعه و اهل سنت وجود دارد که محدودیت این نوشتار اجازه ذکر همه آنها را نمی دهد لذا به بیان چند مورد اکتفا می گردد: در روایتی از پیامبر خاتم (ص) نقل شده است که فرموده اند که: «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (ع) فِي السَّمَاءِ أَكْبَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ» (نوری: ۱۴۰۸ ق، ج ۵، ص ۸۷) سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت به درستی که شأن حسین بن علی (ع) در آسمان بزرگتر از زمین است.

۳-۲. وصف مقام امام حسین (ع) از زبان پیامبر (ص)

هیچنین در روایت معروف که اهل سنت و شیعه آن را نقل کرده اند پیامبر اکرم (ص) در وصف و بزرگی مقام حسن (ع) و حسین (ع) فرموده است: «أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَنَّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»؛ حسن و حسین دو سالار جوانان اهل بهشت اند و فاطمه سرور زنان بهشت است. (بلاذری، ۱۴۱۷ ق: ج ۳، ص ۶۵؛ الباعونی الشافعی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص

۲۶۱؛ ابوعلی بغدادی، بی تا ج ۱، ص ۱۱؛ ابن حنبل، بی تا ج ۳، ص ۳۴۷؛ البانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۴۲۳؛ سیوطی، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۲۱، ابن بابویه، ۱۳۷۶: ص ۱۲۵).

و نیز رسول خدا فرمود: «حُسَيْنٌ مِثِّي وَ أَنَا مِنْهُ أَحَبُّ اللَّهِ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا»؛ حسین از من است و من از حسین هستم. خدا هر که حسین را دوست بدارد، دوست دارد (انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۴۲؛ الکبری، ج ۱۰، ص ۳۸۵).

مجموع روایات متواتر ذکر شده حکایت از مقام والا و عظمت امام حسین (ع) دارد که فهم و درک آن مقام خیلی فراتر از آن است که نگارندگان این سطور بتوانند در قالب الفاظ آن را بیان کنند. اینکه واقعاً حسین چه کسی بود و چه ویژگی‌های داشت و مقام و منزلت‌اش در نزد خدا و پیامبرانش به چه اندازه‌ای بوده است معصوم می‌تواند آن جایگاه را بیان کند، سایر انسان‌ها فقط می‌توانند با تأمل در گفتار و کردار و رفتار آن حضرت معنی انسانیت را بفهمند و فلسفه قیام و شهادتش را که بشریت را به حیات معقول رهنمون ساخت تبیین و تشریح کنند و همگان اعم از مسلمانان و مسیحیان و هندوان و... در اقصی نقاط عالم سر تعظیم و تکریم فرود آرند. از این رو است که صدها سال بعد از قیام آن حضرت رهبر هندوستان آقای گاندی به صراحت اعلان می‌کند که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از سر مشق امام حسین (ع) پیروی کند.

۴. حادثه کربلا جلوه از عزت آفرینی

واقعه کربلا که به شهادت حسین بن علی (ع) و یارانش انجامید، مهم‌ترین بخش از زندگینامه او به شمار می‌آید. این واقعه در پی خودداری او از بیعت با یزید رخ داد. حسین (ع) که به دعوت کوفیان، همراه خانواده و یارانش به سوی این شهر حرکت کرده بود، در منطقه‌ای به نام ذو حسم با سپاهی به فرماندهی حر بن یزید ریاحی رو به رو گردید و مجبور شد مسیر حرکت خود را تغییر دهد.

به نقل بیشتر منابع، آنها روز دوم محرم به کربلا رسیدند و فردای آن روز سپاهی چهار هزار نفری از مردم کوفه به فرماندهی عمر بن سعد وارد کربلا شد. بنا بر گزارشات تاریخی چندین مذاکره بین حسین بن علی و عمر سعد انجام شد؛ اما ابن زیاد جز به بیعت حسین (ع) با یزید یا جنگ راضی نشد. عصر روز تاسوعا سپاه عمر سعد آماده جنگ شد؛ ولی امام حسین آن شب را برای مناجات با خدا مهلت گرفت. شب عاشورا برای یاران خود سخن گفت و بیعت از آنان برداشت و اجازه رفتن داد؛ ولی آنان بر وفاداری و حمایت از او تأکید کردند. صبح روز عاشورا جنگ آغاز شد و تا ظهر



بسیاری از یاران حسین (ع) به شهادت رسیدند. در طی جنگ، حر بن یزید از فرماندهان سپاه کوفه، به امام حسین پیوست. پس از کشته شدن یاران، خویشانِ امام به میدان رفتند که اولین آنان، علی اکبر بود و آنان نیز یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند. سپس خود حسین بن علی (ع) به میدان رفت و عصرگاه روز دهم محرم به شهادت رسید و شمر بن ذی الجوشن و به نقلی سنان بن انس سر او را جدا کرد. سر حسین بن علی همان روز برای ابن زیاد فرستاده شد. عمر سعد در اجرای فرمان ابن زیاد دستور داد چند اسب سوار بر بدن حسین (ع) تاختند و استخوان‌های او را درهم شکستند. زنان و کودکان و امام سجاد (ع) که آن روز بیمار بود، به اسیری گرفته و به کوفه و سپس شام فرستاده شدند.

پیکر امام حسین (ع) و حدود ۷۲ نفر از یارانش، روز ۱۱ یا ۱۳ محرم توسط گروهی از بنی اسد و بنا بر نقلی با حضور امام سجاد (ع) در همان محل شهادت به خاک سپرده شد. (مطالب یاد شده از در اکثر کتب تاریخی مربوطه وجود دارد و نگارندگان این نوشتار آنها را از مقاله امام حسین (ع) از سایت ویکی شیعه به آدرس ذیل نقل کرده است «fa.wikishia.net»)

۵. عزت در کلام امام حسین (ع)

۱-۵. عزت واقعی در انحصار خداوند

مهم‌ترین نکته درباره عزت از دیدگاه امام حسین (ع) تأکید آن حضرت (ع) بر این اصل قرآنی است که عزت واقعی در انحصار خداوند است «فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (نساء: ۱۳۹) و هر کس قصد کسب عزت دارد باید به او متمسک شود. چنانچه در دعای معروف عرفه این چنین با خداوند مناجات می‌کند: «يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَالرُّفْعَةِ وَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَرُونَ» (مجلسی: ۱۴۰۳، ج ۹۵، ص ۲۲۰)؛ ای کسی که خود را به جایگاه بلند و ارجمند اختصاص داده‌ای به گونه‌ای که دوستانت با تمسک به عزت تو کسب عزت می‌کنند، حضرت در این بیان نورانشان سر منشأی عزت را فقط از جانب حضرت حق می‌داند و به ماها می‌آموزد که اگر در پی کسب عزت هستیم از خداوند بخواهیم و نه از غیر او؛ و نیز می‌گوید: «يَا مَنْ دَعَاؤُهُ...ذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي» (ابن طاووس: ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۲) ای کسی که من او را در حالت ذلت خود فرا خواندم و او مرا عزیز گردانید، در واقع امام با این بیان می‌خواهد بفرماید که اگر حالت ذلت برایتان پیش آمد نا امید از رحمت واسعه الهی نشوید، بلکه باتمام وجود صدایش کنید شمارا عزت مند و سربلند خواهد

نمود؛ و در جای دیگر در مقام بیان انحصار می‌گوید: «أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ» (ابن طاووس: ۱۳۷۶ ش، ج ۲، ص ۸۲) تنها تو هستی که عزیز می‌گردانی طبق این دیدگاه تمسک به هر چه غیر خدایی است در راه کسب عزت، در حقیقت تمسک به امر پوچ و فنا شدنی است، چون حضرت با این حصر تمام راه‌های خروجی را که منتهی به غیر او می‌شود بسته است، چنانچه در یکی از اشعار منسوب به آن حضرت (ع) درباره کسانی که مال دنیا را وسیله کسب عزت می‌دانند، چنین آمده است «ایعتز الفتی بالمال زهواً و ما فیها یفوت عن اعتزاز» (جیلانی: ۱۴۲۹ ق- ۱۳۸۷ ش، ج ۲، ص ۳۲۰).

آیا جوانمرد از راه فخر فروشی در صدد کسب عزت از مال بر می‌آید، در حالی که در مال چیزی است که باعث از بین رفتن عزت می‌گردد، البته این سخن به معنای این نیست که مال دنیا با عزت در تضاد است و نمی‌سازد و هر که مال داشته باشد عزت ندارد و یا به عبارت دیگر کسی که دنبال مال می‌رود شخصی بی‌عزت است، خیر، بلکه امام می‌خواهد بفرماید که اگر کسانی که هم و غم آنان مال دنیا باشد و این مال را به جای اینکه وسیله‌ای کسب عزت و سعادت بدانند، هدف قرار می‌دهند.

۲-۵. خواری دنیا در نزد امام

متأسفانه غالب از انسان‌ها جنبه‌ای وسیله بودن مال را از یاد می‌برند و آن قدر غرق در به دست آوری آن می‌شوند که حاضرند برای جمع‌آوری آن دست به هر جنایتی بزنند و در چنین مواردی است که مال مورد مذمت قرار گرفته است، خیلی از حوادث دل خراش و تکان دهنده‌ای دنیا که از سوی افراد نالایق رخ داده است به خاطر وابستگی به مال دنیا بوده است، به عنوان نمونه عمر سعد که نقش کلیدی در واقعه‌ای کربلا داشت و آن جنایت بزرگ و هولناک را مرتکب شد، وقتی که در زندگی وی مطالعه کنید می‌بیند که عامل اصلی که این عاصی را وادار نمود که چنین مصیبت بزرگی را مرتکب شود همان وابستگی ایشان به مال دنیا می‌باشد. پس به حق مال وسیله‌ای بسیار خطرناکی است که نمی‌شود در دست هرکس قرار بگیرد در واقع حکم چاقو را دارد که آگه بدست کودک بیفتد احتمال خطرش خیلی زیاد است اما اگر در دست شخص بزرگ باشد درصد خطرش خیلی پایین است و مال دنیا هم این چنین است. همین دیدگاه است که دنیا و آنچه را که در آن است به هیچ انگاشته و می‌گوید: «هل الدنيا و ما فیها جمیعاً سوی ظلّ یزول مع النهار» (جیلانی:



۱۴۲۹ ق- ۱۳۸۷ ش، ج ۲، ص ۳۲۰) آیا دنیا و همه آنچه در آن است به جز سایه‌ای است که با رفتن روز، از بین می‌رود.

این دیدگاه چنان قدرتی به انسان می‌دهد که در برابر تمام عزیزان دروغین ایستادگی کرده و آنها را به هیچ می‌انگارد و در مقابل آنها فریاد می‌زند که «وَمَا إِنْ طِبُّنَا جُبُنُّ»؛ (طبرسی: ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۳۰۰) شیوه ما ترس نیست و تا آنجا پیش می‌رود که مرگ در راه کسب عزت حقیقی را بر زندگانی ذلت باری که در راه کسب عزت دروغین سپری می‌شود، برتر می‌داند و می‌گوید: «مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ» و چنین مرگی را سعادت دانسته و حیات ذلت بار در زیر بار ستم ظالمان را جز دلزدگی نمی‌داند: «إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا» (ابن شهر آشوب: ۱۳۷۴ ق، ج ۴، ص ۶۸).

چنین است که هنگامی که او را از مرگ می‌ترسانند، بر می‌آشوبد و می‌گوید: مرگ در راه کسب عزت و زنده کردن حق به جز زندگانی جاوید نیست، واقعاً اگر مسلمانان عالم به همین یک کلام امام عمل می‌کردند، به این وضعیت نامطلوبی که دنیای اسلام، امروزه گرفتار آن است مبتلا نمی‌شدند و زیر بار قدرت طلبان و استعمارگران قرار نمی‌گرفتند.

حضرت سید الشهداء تا آخرین لحظات عمر شریف خود چگونه زیستن را به همه‌ای عزت طلب دنیا یاد داد و از زندگی همراه با زلت و خواری منع کرد، چنانچه حضرت (ع) خود می‌فرماید: «مَرَحَبًا بِالْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ لَكِنِّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى هَدْمِ مَجْدِي وَ مَحْوِ عِزِّي وَ شَرَفِي فَإِذَا لَا أُبَالِي بِالْقَتْلِ»؛ خوشا مرگ در راه خدا، اما شما (با کشتن من) نخواهید توانست مجد و عزت و شرفم را نابود کنید، پس چه باک از مرگ.

نکته‌ای مهمی که می‌توان از این سخن پر مغز و پر محتوی امام فهمید این است که برخی‌ها چون عمری با ذلت و خواری زندگی کرده‌اند وقتی در چنگال مرگ می‌افتند و جانشان را می‌گیرند آن عزت و شرف که به ظاهر کسب کرده بودند نیز با خودشان دفن می‌شود، اما انسان‌ها آزاده همیشه در تاریخ یاد و خاطره شان زنده است و ظالمان نمی‌توانند با مرگ به زندگی آنان خاتمه دهند چون راهشان مانند رود جریان دارد و از نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود.

۶. نمونه‌های از عزت بخشی امام حسین (ع)

عبدالله بن عتبه، از مشاهیر فقهای اهل سنت، نقل می‌کند که: روزی در محضر حضرت سید الشهداء (ع) بودم که فرزند آن حضرت (ع) که کوچک بود، وارد شد. امام او را به نزد خود خوانده

و به سینه چسبانید، پیشانیش را بوسید و فرمود: «بِأَبِي أَنْتَ مَا أَطِيبَ رِيحَكَ وَ أَحْسَنَ خَلْقَكَ»؛ (حر عاملی: ۱۴۰۹ ق، ج ۲۸، ص ۳۴۰) پدرم به فدایت. چقدر خوشبو و زیبایی، این گونه تکریم در واقع عزت بخشی به اطفال است و ماهم به عنوان پیرو باید یاد بگیریم که چگونه باید کودکانمان را محترم بشمارم تا عزتمند پرورش یابند.

همچنین امام حسین (ع) کسی را که در ارتباطات اجتماعی و معاشرتهای خانوادگی، از این شیوه پسندیده قرآنی بهره نگیرد، به عنوان خسیس‌ترین فرد قلمداد کرده و می‌فرماید: «الْبَخِيلُ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ» (ابن شعبه حرانی: ۱۴۰۴ ق، ص ۲۴۶) بخیل کسی است که از سلام دادن بخل بورزد، در سیره اهل بیت علیهم (ع) به مسلمانان گناهکار و آلوده نیز پسندیده و تأثیرگذار است امام حسین (ع) می‌فرماید: ابن کوا از پدرم علی (ع) پرسید: ای امیر مؤمنان! آیا بر گناهکاران نیز سلام می‌دهی؟ علی (ع) فرمود: خدا او را اهل توحید می‌داند، آیا تو او را اهل سلام نمی‌دانی؟! ارتباط کلامی با عبارات دل‌نشین عموم مردم؛ اعم از کودکان، نوجوانان، جوانان و زنان و مردان، در معاشرتهای اجتماعی، نسبت به ارتباطات کلامی افراد بسیار حساس می‌باشند و نوع لحن و صوت و انتخاب جملات در توجه و جذب آنان اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. سخنان محبت‌آمیز، دل‌با و دارای بار عاطفی مثبت، در عمق جان مخاطبان تأثیر می‌گذارد و عزت نفس را در آنان تقویت می‌کند. انسان‌هایی که در الفاظ و عبارات خود کمال ادب و عفت را رعایت می‌کنند، در نظر مخاطب عزیز و مکرم بوده و عموم مردم آنان را به دیده احترام و بزرگی می‌نگرند. در واقع رعایت ادب و عفت و وجاهت در گفتار موجب عزت نفس برای گوینده و شنونده است. برخی از مشکلات و ناهنجاری‌ها، تندخویی‌ها، زورگویی‌ها، بدبینی‌ها، حقارت‌ها و افسردگی‌ها را می‌توان با به‌کارگیری عباراتی دلنواز و روح‌بخش از میان برداشته و درمان نمود.

رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: «مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِكَلِمَةٍ يُلَطِّفُ بِهَا وَ فَرَّجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ لَمْ يَزَلْ فِي ظِلِّ اللَّهِ الْمَمْدُودِ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ» (کلینی: ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۰۶) کسی که برادر مسلمان خود را با کلمه‌ای مهرآمیز تکریم نماید و غم را از دل او بزدايد، در سایه بلند [لطف] خدا می‌باشد و تا این صفت پسندیده در او باشد، همواره رحمت [الهی] بر او خواهد بود.

در اینجا نمونه‌هایی از ارتباط کلامی حضرت ابا عبدالله علیه السلام با افراد خانواده، فرزندان و یارانش را بیان می‌کنیم.



۱. امام حسین (ع) هنگام خروج از مدینه، وقتی که همه خاندان و اهل بیت آن حضرت سوار بر محمل‌ها شدند، چنین ندا داد: «این اخی؟ این کبش کتیبی، این قمر بنی هاشم» کجاست برادرم، کجاست سردار سپاهم، کجاست ماه بنی هاشم، عباس (علیه السلام) هم پاسخ داد: «لبیک، لبیک، یا سیدی».

۲. هنگامی که حضرت قاسم (ع) از شهادت خویش سؤال کرد، امام حسین (ع) او را چنین مورد خطاب قرار داد: «أَيُّ وَاللَّهِ فِدَاكَ عَمَّكَ إِنَّكَ لِأَحَدٍ مِّنْ يَّقْتُلُ مِنَ الرِّجَالِ مَعِيَ» (بحرانی، مدینه معاجز الأئمة الإثني عشر، ج ۴، ص: ۲۱۵)؛ به خدا سوگند، همین طور است. عمویت فدایت باد. تو یکی از مردانی هستی که با من به شهادت خواهند رسید.

۳. وقتی با دخترش سکینه وداع می‌کرد، برای آرامش وی که از فراق پدر بی‌تابی می‌کرد چنین فرمود: «یا نور عینی! کیف لا یستسلم للموت من لا ناصر له و لا معین» ای نور چشم من کسی که یار و یاورى ندارد چگونه تسلیم مرگ نباشد؟!

۴. آنگاه که امام حسین علیه السلام برادرش حضرت عباس علیه السلام را می‌فرستاد تا از علت حرکت سپاه دشمن خبری بیاورد، سخن خود را با این عبارت دل‌نشین ابراز می‌داشت: «يَا عَبَّاسُ اذْكَبْ بِنَفْسِي أَنْتَ يَا أَخِي حَتَّى تَلْقَاهُمْ وَ تَقُولَ لَهُمْ مَا لَكُمْ وَ مَا بَدَا لَكُمْ» (مفید: ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۹۰) برادرم عباس! جانم به فدایت، سوار شو و به نزد اینان برو و به آنان بگو: شما را چه شده و چه چیزی برای شما آشکار شده است؟

۴. حضرت سید الشهداء (ع) در هنگام خداحافظی با فرزندش امام سجاد (ع)، در روز عاشورا، فرزندش را به آغوش کشیده و با کلمات مهرآمیزی که از اعماق جانش ریشه می‌گرفت، به او فرمود: «يَا وَلَدِي أَنْتَ أَطْيَبُ ذُرِّيَّتِي، وَ أَفْضَلُ عِزَّتِي، وَ أَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَى هَوْلَاءِ الْعِيَالِ وَ الْأَطْفَالِ» پسر من تو پاکیزه‌ترین فرزندان من هستی و بهترین خاندان من می‌باشی، تو جانشین من در سرپرستی این زنان و کودکان خواهی بود.

۷. عزت آفرینی در اربعین حسینی

۷-۱. اربعین و ضرورت زنده نگاهداشتن یاد امام

روز اربعین بیستم صفر سال ۶۱ هجری قمری مصادف با چهلمین روز شهادت امام حسین (ع) است و به همین دلیل این روز را اربعین می‌نامند در اصل کلمه اربعین به معنای چهارم است.



طبق روایتی اربعین اول آن روزی است که برای اولین بار زائران شناخته شده حسین بن علی به کربلا آمدند؛ جابر بن عبدالله انصاری و عطیه از اصحاب پیغمبر، از یاران امیر المومنین آمدند آن جا و جابر بن عبدالله حتی نابینا بود - آن طور که در نوشته‌ها و اخبار هست - و دستش را عطیه گرفت و برد روی قبر حسین بن علی گذاشت و او قبر را لمس کرد و گریه کرد و با حسین بن علی علیه السلام حرف زد و گفت «ثُمَّ قَالَ يَا حُسَيْنُ ثَلَاثًا ثُمَّ قَالَ حَيْبٌ لَا يُحْيِي حَيِّبُهُ ثُمَّ قَالَ وَ أَنَّى لَكَ بِالْجَوَابِ وَ قَدْ شُحِطَّتْ أَوْدَاجُكَ عَلَى أَتْبَاجِكَ وَ فُرِّقَ بَيْنَ بَدَنِكَ وَ رَأْسِكَ...» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۳۱)؛ سه بار گفت 'یا حسین!' سپس گفت: آیا دوست، پاسخ دوستش را نمی‌دهد؟! جابر بن عبدالله انصاری سپس گفت: چگونه جواب دهی که رگهایت بریده و میان سر و پیکرت جدایی افتاده است.

درواقع جابر با آمدن خود و با سخن گفتن خود خاطره حسین بن علی را زنده کرد و سنت زیارت قبر شهداء را پایه‌گذاری کرد و اما اهمیت و ضرورت زنده نگهداشتن این روز به خاطر این است که یاد شهادت زنده می‌شود، یاد اسارت خاندان پیامبر اکرم (ص) زنده می‌شود، فلسفه چیستی، چرایی و چگونگی قیام سرور و سالار شهیدان کربلا دانسته می‌شود. عملکرد ددمنشانه و وحشیانه یزیدان دانسته می‌شود. عملکرد لشکریان حق و باطل فهمیده می‌شود. از این روست که گفته اند:

اربعین در حادثه‌ی کربلا يك شروع بود؛ يك آغاز بود. بعد از آنکه قضیه‌ی کربلا انجام گرفت - آن فاجعه‌ی بزرگ اتفاق افتاد - و فداکاری بی نظیر ابا عبدالله علیه السلام و اصحاب و یاران و خانواده‌اش در آن محیط محدود واقع شد، حادثه‌ی اسارت‌ها پیام را باید منتشر می‌کرد و خطبه‌ها و افشاگری‌ها و حقیقت‌گوئی‌های حضرت زینب سلام الله علیها و امام سجاد علیه الصلاة والسلام مثل يك رسانه‌ی پر قدرت، باید فکر و حادثه و هدف و جهت‌گیری را در محدوده‌ی وسیعی منتشر می‌کرد؛ و کرد در اربعین افشاگری هم هست، عمل هم هست، تحقق هدف‌های آن افشاگری هم در اربعین وجود دارد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از مردم آذربایجان شرقی ۲۸/بهمن/۱۳۸۷). به نظر می‌رسد به خاطر همین اهمیت است که زیارت آن اربعین را یکی از نشانه‌های مؤمن ذکر نموده‌اند. «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحَنُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۷۸)؛ مؤمن پنج نشانه دارد: نمازهای پنجاه گانه روزانه (از واجب و مستحب)؛ زیارت



اربعین؛ انگشتر در دست راست کردن؛ پیشانی را هنگام سجده بر خاک گذاشتن؛ و بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ نماز را بلند گفتن.

۲-۷. اربعین و شناخت راهبردهای دشمن و درک فلسفه قیام امام

برفرض اگر چنین حادثه عظیم اتفاق می‌افتاد و حسین بن علی و یاران باوفایش به شهادت می‌رسیدند و بنی امیه همان‌گونه که جسم پاکشان را در زیر خاک پنهان کردند، یاد آنها را نیز از خاطره‌ها محو می‌کردند دیگر چه فوائد و پیامدهای حیات بخشی این قیام برای عالم اسلام داشت. پس باید این روز همه ساله باشکوه و جلال هرچه بیشتر برگزار گردد تا بشریت از این قیام حق علیه باطل درس بگیرد و بداند که حیات واقعی چیست و کجاست و چگونه بدست می‌آید؟ درست است که به ظاهر لشکریان یزید آل رسول‌الله (ص) را به شهادت رساندند و به غنائم موقتی و موفقیت‌های فریبنده دست یافتند ولی چنان دودمانشان بر باد رفت که خفت و خواری را در همین دنیا مشاهده کردند و نسل‌های بعدی این حقایق را با زنده نگهداشتن یاد و خاطره کربلا فهمیدند و از این طریق مسیر رشد و سازندگی و هدایت را درک کردند.

به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که در روایات فراوانی تأکید شده است که اگر زیارت ائمه (ع) ترك شود حق عظیمی ترك و نسبت به رسول‌الله (ص) طاهرینش جفا شده است. از امام صادق (ع) درباره زیارت رسول اکرم (ص) امام حسین (ع) را زیارت نکند، حق عظیمی از رسول گرامی اسلام (ص) رعایت نشده و این وظیفه مهم ترك شده است: «لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ حَجَّ دَهْرَهُ ثُمَّ لَمْ يَزِرِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (عليهما السلام) لَكَانَ تَارِكًا حَقًّا مِنْ حُقُوقِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِأَنَّ حَقَّ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَاجِبَةٌ عَلَيَّ كُلِّ مُسْلِمٍ». بر اساس همین روایت حتی عده‌ای به وجوب زیارت امام حسین (ع) و عده‌ای به احتیاط و جوبی نسبت به زیارت امام حسین (ع) فتوا داده‌اند. (جوادی آملی، فلسفه زیارت، ص ۱۱۴).

روشن است که این زیارت‌ها و تعظیم شعائر است که از یک‌سو رهیافت‌ها و راهبردها و شیوه‌های عداوت و اعمال راهبردهای دشمنان اهل بیت پیامبر مشخص و از سوی دیگر فلسفه و چیستی و چرایی قیام آنان (ع) فهم و درک می‌شود؛ و الا کافران همیشه در صدد اطفاء نور الهی بوده‌اند. قرآن کریم در این باره در آیات متعدد می‌فرماید: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيرَ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه/۳۲)؛ [کافران] می‌خواهند که نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش



کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نورش را کامل کند و گر چه کافران ناخشنود باشند و نیز در آیه دیگر می‌فرماید؛ و نیز می‌فرماید: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف/۸)؛ [کافران] می‌خواهند تا نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش سازند؛ در حالی که خدا کامل‌کننده نور خویش است و گرچه کافران ناخشنود باشند.

همچنین یهود و نصاری با تلاش بی‌امان با سخنان و تبلیغات سهم‌گیرین خویش اقدام به خاموش کردن نور الهی داشته و دارند که کلام وحی نسبت به این عمل شوم آنان به مسلمانان تذکر داده می‌فرماید: «اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (توبه/۳۱)؛ (آنان) دانشمندان (نیکو اثر) خویش و راهبان‌شان و مسیح پسر مریم را پروردگاران غیر از خدا قرار دادند؛ و حال آنکه به آنان فرمان داده نشده بود، مگر آنکه معبود یگانه را بپرستند، که هیچ معبودی جز او نیست؛ او منزه است از آنچه (با وی) شریک می‌گردانند؛ و نیز در آیه دیگر می‌فرماید: «وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ» (صف/۶)؛ و (یادکن) هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب)! در واقع من فرستاده خدا به سوی شما، در حالی که مؤید آنچه از تورات که پیش از من بوده و مژده آور فرستاده‌ای هستم که بعد از من می‌آید [و] نام او احمد است. ولی هنگامی که با دلیل‌های روشن (معجزه‌آسا) به سراغشان آمد، گفتند: این سحری آشکار است.

برابر آیات یاد شده دشمنان قسم خورده اسلام شبانه‌روزی با برنامه‌های متعدد و متنوع در صد اطفای نور الهی بودند؛ اما خداوند متعال تضمین کرده است که نور الهی خاموش شدنی نیست هرچند که دشمن زبون شبانه‌روزی هم تلاش کند، بلکه نتیجه عکس محقق می‌شود و نورالله روشناتر و درخشانتر و آشکارتر می‌گردد (توبه/۳۲).

۳-۷. اربعینی حسینی بیانگر اهمیت مبارزه با ظلم، ستم و تبعیض

بعد از واقعه کربلا و رسوا شدن بنی امیه و عاملان این جنایت هولناک پیروان خط فکری یزید به این اندیشه افتادند که صدای جوش و خروش مردم را خاموش و حادثه کربلا را به فراموشی بسپارد و از اذهان مردم محو کنند تا هیچ اثری از او باقی نماند؛ لذا مخالفان خود را افرادی بی‌دین، دنیا پرست، قدرت طلب و آشوبگر معرفی کردند و به همگان اعلان کردند که جمعی از دین اسلام



خارج شده و علیه حکومت اسلامی قیام کرده و در صدد نا امن کردن جامعه مسلمین هستند و بعد از اینکه این حربه نیز جواب نداد، در اواسط دوران بنی عباس حتی قبر حسین بن علی (ع) را ویران کردند و شخم زدند و آب انداختند. اما با وجود همه این کارها باز این حرارت قلوب و دلباختگی پاک‌طینتان چند برابر شد؛ و اینکه بعد از تحقق مرحله نخست قیام و نهضت امام حسین (ع) که همان شهادت حضرت و یارانش باشد مرحله دوم آن نیز به خوبی اجرا و عملیاتی شد و امام سجاد (ع) و حضرت زینب به خوبی پیام نهضت را به مردم آن زمان رساندند و این موجب آگاهی و شناخت مردم از حقیقت واقعه کربلا گردید.

البته دلیل این علاقه شدید به حسین بن علی ریشه در این بیان نورانی پیامبر اکرم (ص) دارد که فرموده است «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»؛ برای شهادت حسین (ع)، حرارت و گرمایی در دل‌های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود. پس خروش مردم در این روز بزرگ ریشه در محبت قلبی آنان به سرور و سالار شهیدان و اهداف ولای آن حضرت دارد و در واقع اربعینی حسینی بیانگر اهمیت مبارزه با ظلم و ستم و تبعیض است و امام حسین (ع) با قیام خویش به همگان آموخت که باید در برابر نظام استبدادی و ظلم ایستاد و تا براندازی و سرنگونی آن مقاومت کرد.

۴-۷. اعلان استمرار راه شهادی کربلا

پس ضرورت دارد که دلدادگان مکتب اهل بیت (ع) در روز اربعین با امام حسین (ع) تجدید عهد کنند و با رفتن به زیارت سید الشهداء (ع) این عهد را ابراز کنند و با جمع شدن و متحد شدن زیر پرچم حسین (ع) به جهانیان اعلان کنند که راه حسین (ع) ادامه دارد. البته براساس بیان مقام معظم رهبری امام حسین علی (ع) از جاذبه مغناطیسی برخوردار است و شروع جاذبه‌ی مغناطیسی حسینی، در روز اربعین است. جابر بن عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشد. این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن‌های متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل بیت دارند، عشق و شور به کربلا همیشه در دلشان زنده است. این از آن روز شروع شده است. عشق به تربت حسینی و به مرقد سرور شهیدان - سیدالشهداء (بیانات مقام معظم رهبری در صحن جامع رضوی ۱/فروردین/۱۳۸۵).

۵-۷. اربعین نشانه‌ی اقتدار و یکپارچگی امت اسلامی

بر پایه مطالب یاد شده می‌توان گفت اربعین حسینی نقش برجسته در اقتدار و یکپارچگی امت اسلامی دارد؛ زیرا در آن همه مردم در کنار هم با هر رنگ و سلیقه و ملیت‌های مختلفی با همدلی تمام حق طلبی و آزادی خواهی را که امام حسین (ع) به بشریت هدیه کرده است را صدا می‌زنند و این صداها و جوش و خروش‌ها کاخ‌های سلاطین را به لرزه در می‌آورد و خواب را از چشمان استکبار جهانی و صهیونیسم کودک کش می‌گیرد و بستر اتحاد و انسجام امت اسلامی را روز افزون می‌سازد.

اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر (ص)، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی (علیه السلام) در عاشورا - به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نیندند، نسل‌های بعد، از دستاورد شهادت استفاده‌ی زیادی نخواهند برد. درسی که اربعین به ما می‌دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره‌ی شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگاهداشت (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای جمعیت هلال احمر، مسؤولین بنیاد شهید و اقشار مختلف مردم ۲۹ شهریور/۱۳۶۸).

نتیجه

عزت چه به عنوان خصلت فردی یا روحیه جمعی، به معنای مقهور عوامل بیرونی نشدن، شکست‌ناپذیری، صلابت نفس، کرامت والایی روح انسانی و حفظ شخصیت است. ستم‌پذیری و تحمل سلطه باطل و سکوت در برابر تعدی و زیر بار منت دونان رفتن و تسلیم فرومایگان شدن و اطاعت از کافران و فاجران همه و همه از ذلت نفس و زبونی و حقارت روح سرچشمه می‌گیرد.

قرآن در این باره می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون/۸) خداوند عزیز است و عزت را برای خود، پیامبر و صاحبان ایمان قرار داده است و امام حسین (ع) که در رأس مؤمنین قرار دارد و در عین حال که عزتش تضمین شده از جانب حضرت احدیت بود سعی کرد که دیگران را نیز عزیز و عزت‌مند پرورش دهد، لذا در برخورد با اطرافیانش نهایت احترام را به آنان گذاشت، صفات نیکویشان را بیان کرد، روحیه خودباوری را در آنان پرورش داد، کرامت انسانی‌شان زنده کرد

و در نهایت این را فهماند که ای انسان تو اشرف مخلوقات هستی خداوند به تو آبرو و عزت داده است.

پس جایگاه خودت را بدان و این سرمایه‌ای خدا دادی خودت را حفظ کن و در حفاظت از آن از جان و مال و اولادت مایه بگذار چون بدون آن زندگی هیچ‌گونه ارزشی ندارد از این رو برای کسب و حفاظت و حراست از آن باید در برابر یاغیان و تاغیان باید ایستادگی و مقاومت کرد و این نهضت امام حسین (ع) برای بشریت تا قیام قیامت قابل استفاده است.

امروزه مشاهده می‌شود که هر شخصی و یا کشوری که بخواهد عزیز باشد در برابر ظلم و ستم استعمارگران و استثمارگران و استحمارگران بایستد و تحت هیچ شرایطی خودش را خوار و ذلیل و برده دیگری قرار ندهد و در جهان امروز به خوبی می‌توان معنای آزادیخواهی و آزادگی و استقلالیت و عزتمندی را به خوبی درک و فهم کرد و از سرنوشت کسانی که عزت خویش را فروخته‌اند درس گرفت که با چه بدبختی و هلاکت دنیوی و اخروی گرفتار شده‌اند.

پس فهم و درک و عمل به آموزه‌های یاد شده ارتباط وثیق با اربعین حسینی و هرچه باشکوه‌تر برگزاری آن دارد و امت اسلامی باید از این عطیه الهی به خوبی استفاده نموده فاصله‌ها را کم و انسجام و یکپارچگی و وحدت و جمع شدن خویش زیر پرچم امام حسین (ع) را فراهم نمایند؛ تا بتوانند در برابر یاغی‌گری متجاوزان و استعمارگران و استحمارگران داخلی و خارجی بایستند و با تاسی به سرور و سالار شهیدان تحت هیچ شرایطی حتی با از دست دادن جان و مال و اولاد عزت و سربلندی خوش را معامله نکنند و تمام قد با ظالمان بجنگند و در مسیر آزادی خواهی و رهایی از اسارت‌های تحمیل شده حرکت کنند و این را بدانند که نصرت الهی حتمی و قطعی است.



فهرست منابع

قرآن مجید

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) قم، ۱۳۷۹ ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، الإقبال بالأعمال الحسنة (ط- الحديثة)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۴. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، مدينة معاجز الأئمة الإثني عشر، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ ق.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضاء جمعیت هلال احمر، مسؤولین بنیاد شهید و اقشار مختلف مردم ۲۹/شهریور/۱۳۶۸ ش.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از مردم آذربایجان شرقی ۲۸/بهمن/۱۳۸۷ ش.
۷. بیانات مقام معظم رهبری در صحن جامع رضوی ۱/فروردین/۱۳۸۵ ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، فلسفه زیارت، قم، مؤسسه و حیانی اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۸۸ ش.
۹. جیلانی، رفیع الدین محمد بن محمد مؤمن، الذریعة إلى حافظ الشریعة (شرح أصول الکافی جیلانی)، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق- ۱۳۸۷ ش.
۱۰. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر، قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت- دمشق، دار القلم- الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط- الإسلامية)، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.

١٦. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٣ ق.
١٧. مفيد، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، قم، كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.
١٨. موسوعة كلمات الامام الحسين (ع)، معهد تحقيقات باقرالعلوم، چاپ اول، قم، دارالمعروف، ١٣٧٣ ش.
١٩. نورى، حسين بن محمد تقى، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٨ ق.

